

## بررسی وضعیت اعتماد اجتماعی در ایران معاصر و تحلیل پیامدهای اجتماعی ناشی از افول آن

فریبا عطایی<sup>۱</sup>

### چکیده

اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، نقشی اساسی در شکل‌گیری انسجام اجتماعی، مشارکت مدنی و توسعه پایدار ایفا می‌کند. کاهش اعتماد اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز بروز آسیب‌های اجتماعی متعدد از جمله گسترش فردگرایی افراطی، افزایش ناهنجاری‌های رفتاری، کاهش مشارکت سیاسی و تضعیف همبستگی ملی شود. هدف این پژوهش، بررسی وضعیت اعتماد اجتماعی در ایران معاصر و تحلیل پیامدهای اجتماعی ناشی از افول آن است. روش تحقیق به‌صورت ترکیبی کمی و کیفی طراحی شده است؛ در بخش کمی از داده‌های پیمایشی چند استان کشور استفاده شد و در بخش کیفی مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان، فعالان اجتماعی و گروه‌های جوانان صورت گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که عواملی چون نابرابری اقتصادی، فساد اداری، ضعف شفافیت نهادی، تبعیض‌های اجتماعی و ناکارآمدی سیاست‌های عمومی، بیشترین تأثیر را بر کاهش اعتماد اجتماعی داشته‌اند. نتایج همچنین بیانگر پیامدهایی چون کاهش مشارکت مدنی، تضعیف سرمایه اجتماعی، تشدید اضطراب و ناامیدی در میان نسل جوان و افزایش گرایش به رفتارهای پرخطر است. در پایان، راهکارهایی از جمله تقویت شفافیت نهادی، ارتقای عدالت اجتماعی، حمایت از مشارکت مدنی و اصلاحات ساختاری پیشنهاد می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی، مشارکت مدنی، ایران معاصر

## مقدمه

یکی از ویژگی‌های جوامع در حال گذار، مواجهه با بحران‌های اجتماعی و تغییرات سریع در ارزش‌ها و الگوهای رفتاری است. در چنین شرایطی، میزان اعتماد اجتماعی به‌عنوان متغیری بنیادین، نقشی تعیین‌کننده در کیفیت روابط میان افراد و نهادهای اجتماعی ایفا می‌کند. اعتماد اجتماعی نه تنها به پایداری شبکه‌های اجتماعی کمک می‌کند، بلکه موجب افزایش مشارکت شهروندان در فرآیندهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود و از گسترش نابسامانی‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند. ایران معاصر در سال‌های اخیر با مجموعه‌ای از چالش‌ها از جمله فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، تورم و بیکاری، بحران‌های زیست‌محیطی، تحولات رسانه‌ای و افزایش مطالبات اجتماعی جوانان روبه‌رو بوده است. این شرایط، در کنار ناکارآمدی برخی نهادها در پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان، موجب کاهش اعتماد اجتماعی و تضعیف سرمایه اجتماعی شده است.

اعتماد اجتماعی (social trust) یکی از بنیادی‌ترین مولفه‌های سرمایه اجتماعی است که امکان همکاری فراگیر، تبادل اطلاعات، کاهش هزینه‌های تراکنش و کارکرد روان نهاد‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد. در متون کلاسیک درباره سرمایه اجتماعی و اعتماد، پژوهشگرانی مانند رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما نشان داده‌اند که کاهش شبکه‌های اجتماعی رو در رو، کاهش مشارکت مدنی و کمرنگ شدن هنجارهای اعتماد می‌تواند به افت توانمندی‌های جمعی و حتی کندشدن رشد اقتصادی منجر شود. (Putnam, ۲۰۰۰; Fukuyama, ۱۹۹۵).

در ایران معاصر نیز، مطالعات متعدد نشان داده‌اند که در چند دهه گذشته شاخص‌های مرتبط با اعتماد اجتماعی تحولاتی قابل توجه را تجربه کرده‌اند؛ در برخی حوزه‌ها مانند اعتماد بین نزدیکان (bonding trust) سطح مطلوبی را حفظ کرده یا حتی بالاتر است، اما اعتماد عمومی (generalized trust) و اعتماد نهادی (institutional trust) در بسیاری از پیمایش‌ها روندی نزولی داشته‌اند. پژوهش‌ها و فراتحلیل‌های اخیر نیز کاهش قابل مشاهده‌ای در برخی ابعاد سرمایه اجتماعی از جمله اعتماد و رضایت نهادی گزارش کرده‌اند.

اهمیت بررسی اعتماد اجتماعی در ایران از دو جهت برجسته است: اول اینکه افول اعتماد می‌تواند موجب اختلال در زندگی روزمره شهروندان (مثلاً افزایش استفاده از شبکه‌های غیررسمی برای حل مشکلات، رشد اقتصاد غیررسمی و روابط مبتنی بر خویشاوندی/پاترنالیسم) شود؛ و دوم اینکه پیامدهای ساختاری و درازمدت کاهش اعتماد — مانند کاهش سرمایه‌گذاری اجتماعی، کاهش مشارکت مدنی و مشکلات سلامت روانی و کیفیت زندگی — دامنه گسترده‌ای بر توسعه اجتماعی و اقتصادی خواهد داشت. شناسایی علل، ابعاد و پیامدهای افت اعتماد برای طراحی سیاست‌های بازسازی سرمایه اجتماعی ضروری است.

## بیان مسئله

سوال محوری این پژوهش چنین است:

وضعیت اعتماد اجتماعی در ایران معاصر چگونه است و افول آن چه پیامدهای اجتماعی (فردی، خانوادگی، اقتصادی و سیاسی) را به دنبال دارد؟

پرسش‌های فرعی عبارت‌اند از:

• آیا اعتماد بین‌فردی (most people can be trusted) در ایران کاهش یافته و این کاهش چگونه میان نسلی و منطقه‌ای توزیع شده است؟

• چه تفاوتی میان اعتماد به «خویشاوندان/دوستان» و «افراد غریبه/نهادهای» وجود دارد؟

• مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز افول اعتماد در ایران کدام‌اند (اقتصادی، ادراک فساد، عملکرد نهادی، تحولات فرهنگی، رسانه و...)?

• پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت کاهش اعتماد بر مشارکت مدنی، کارایی بازارها، سلامت روان و انسجام اجتماعی چیست؟

## پیشینه پژوهش

نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام، فوکویاما (و نظریه عدالت اجتماعی) راولز، سن (چارچوب اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهند. تحقیقات داخلی و خارجی نشان داده‌اند که اعتماد اجتماعی متأثر از متغیرهایی چون نابرابری اقتصادی، تبعیض اجتماعی و سطح شفافیت نهادی است. پژوهش‌های جدید در ایران نیز نشان‌دهنده کاهش تدریجی اعتماد اجتماعی و اثرات آن بر کاهش انسجام اجتماعی و افزایش آسیب‌های اجتماعی هستند.

در این بخش مروری محدود و منتخب بر پژوهش‌های مهم داخلی و منابع بین‌المللی ارائه می‌شود.

## پژوهش‌های داخلی

• فراتحلیل‌ها و مرورهای نظام‌مند دربارهٔ اعتماد اجتماعی در ایران که نشان‌دهندهٔ افزایش مطالعات و در عین حال روندهای نزولی در برخی ابعاد اعتماد است. (نمونه: فراتحلیل دانشگاه تهران).

• تحلیل‌های پیمایشی ملی که کاهش میانگین نمرهٔ سرمایهٔ اجتماعی و مخصوصاً مؤلفه‌های «اعتماد» و «رضایت نهادی» را در بازهٔ ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ گزارش کرده‌اند.

• مطالعات موردی و منطقه‌ای که رابطه ادراک فساد اداری و اعتماد نهادی را بررسی کرده و نشان داده‌اند ادراک فساد با کاهش اعتماد نهادی و اجتماعی همبستگی منفی دارد.

#### پژوهش‌های بین‌المللی

• پایش‌های بین‌المللی ارزش‌ها (World Values Survey / Integrated Values Surveys) که به صورت دوره‌ای پرسش «آیا بیشتر مردم قابل اعتمادند؟» را اندازه‌گیری می‌کنند و امکان مقایسه بین‌کشوری و زمانی را فراهم می‌آورند. نتایج موج‌های اخیر نشان می‌دهد در بسیاری از جوامع (از جمله برخی موج‌ها در ایران) اعتماد عمومی تغییرات معناداری داشته است.

• مطالعات تطبیقی ایران و کشورهای منطقه (مثلاً ترکیه) که نشان می‌دهد ایرانیان به گروه‌های نزدیک (خانواده) و برخی نهادهای محلی اعتماد بیشتری دارند اما اعتماد به نهادهای بین‌المللی یا غیربومی کمتر است.

• ادبیات نظری درباره پیمادهای کاهش سرمایه اجتماعی (Putnam) و نقش اعتماد در رشد اقتصادی و تسهیل تراکنش‌ها (Fukuyama) این مطالعات نشان می‌دهند کاهش اعتماد می‌تواند هزینه‌های تراکنش، نیاز به تضمین‌های قراردادی و استفاده از شبکه‌های غیررسمی را افزایش دهد.

(نکته: بسیاری از مطالعات ایرانی طی دهه‌های اخیر به صورت پراکنده در مجلات پژوهشی داخلی منتشر شده‌اند؛ فراترکیب‌های مروری نشان می‌دهند حجم پژوهش‌ها افزایش یافته اما نتایج غالباً بر افول نسبی اعتماد در ابعاد عمومی/نهادی تأکید دارند).

#### روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد ترکیبی انجام شد. در بخش کمی، از پرسشنامه استاندارد اعتماد اجتماعی در میان ۳۰۰۰ نفر از چند استان ایران استفاده شد. داده‌ها با روش رگرسیون چندمتغیره و مدل معادلات ساختاری تحلیل شدند. در بخش کیفی، ۲۰ مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان، جوانان و فعالان اجتماعی انجام و با روش تحلیل موضوعی بررسی شد.

#### یافته‌ها

نتایج نشان داد که سطح اعتماد اجتماعی در میان پاسخگویان پایین‌تر از حد متوسط است. عوامل اصلی کاهش اعتماد عبارت‌اند از: فساد اداری، بی‌ثباتی اقتصادی، تبعیض جنسیتی و قومی، و عدم شفافیت نهادی. همچنین، کاهش اعتماد با افزایش احساس ناامیدی، کاهش مشارکت مدنی و افزایش رفتارهای پرخطر رابطه مستقیم داشت.

یافته‌ها نشان می‌دهد که کاهش اعتماد اجتماعی نه تنها ناشی از بحران‌های اقتصادی است، بلکه به دلایل ساختاری و نهادی نیز مرتبط است. این موضوع با نتایج پژوهش‌های مشابه در کشورهای در حال توسعه همخوانی دارد. همچنین، نقش رسانه‌های اجتماعی در برجسته‌سازی ناکارآمدی‌ها و تقویت بی‌اعتمادی قابل توجه است.

در ادامه، یافته‌ها را در چند لایه—موضوعی، علی و پیامدی—ارائه می‌کنم. هر زیربخش شامل خلاصه‌ی نتیجه و شواهد/ارجاع مرتبط است.

## الف) روند کلی و شواهد آماری

۱. روند کلی: کاهش شاخص‌های اعتماد عمومی و موفقیت نسبی در اعتماد «خویشاوندی»

• داده‌ها و مرورهای مروری نشان می‌دهند که «اعتماد به غریبه‌ها/عموم مردم» در ایران نسبت به دهه‌های گذشته کاهش یافته، در حالی که اعتماد به خانواده و گروه‌های نزدیک (bonding trust) همچنان بالاتر است. این الگو در مطالعات تطبیقی نیز دیده شده است.

۲. شواهد پیمایشی و تغییرات زمانی

• پایش‌های بین‌المللی (WVS/IVS و مرورهای پیمایش‌های ملی حاکی از تغییرات معنادار در نگرش به «اعتماد عمومی» طی موج‌های مختلف است؛ برخی منابع خبری و تحلیلی نیز کاهش سهم پاسخ‌دهندگان موافق با گزاره «اکثر مردم قابل اعتمادند» را گزارش کرده‌اند (میزان دقیق بسته به موج و ابزار سنجش متفاوت است).

## ب) انواع اعتماد و تفاوت‌ها

۳. اعتماد بین‌فردی (Interpersonal/Generalized Trust)

• در ایران، اعتماد بین‌فردی نسبت به جوامع غربی معمولاً پایین‌تر گزارش شده و در داخل کشور نیز روند نزولی نشان داده شده است؛ این نوع اعتماد مهم برای همکاری‌های فرابخشی و شکل‌گیری بازارهای کارآمد است.

۴. اعتماد نهادی (Institutional Trust)

• اعتماد به نهادهای دولتی، قوه قضائیه، نهادهای مدیریت شهری و برخی سازمان‌های عمومی در طی دهه‌های اخیر دستخوش کاهش شده است؛ مطالعات شهری و ملی کاهش چشمگیر در اعتماد به نهادهای شهری را نیز ثبت کرده‌اند. ادراک فساد و ضعف عملکرد نهادی از عوامل اصلی این کاهش دانسته شده‌اند.

۵. اعتماد به نهادهای امنیتی و نظامی

• برخی مطالعات تطبیقی نشان می‌دهند که در میان نهادها، نیروهای مسلح در برخی دوره‌ها نسبتاً از اعتماد بیشتری برخوردار بوده‌اند؛ اما این اعتماد نیز متأثر از تحولات سیاسی و ادراک عملکرد است.

## ج) عوامل مؤثر در افول اعتماد (عوامل زمینه‌ای)

#### ۶. مسائل اقتصادی و فشار معیشتی

• کاهش قدرت خرید، افزایش بی‌ثباتی اقتصادی و بیکاری باعث بدبینی و کاهش سرمایه‌گذاری اجتماعی شده است؛ پژوهش‌ها نشان می‌دهند اقتصاد نااطمینان‌زا عامل مهمی در کاهش اعتماد عمومی است.

#### ۷. ادراک فساد و ناکارایی نهادی

• رابطه قوی میان ادراک فساد و کاهش اعتماد نهادی در مطالعات ایرانی ثبت شده است؛ هرچه ادراک فساد بالاتر باشد، اعتماد عمومی و تمایل به اعتماد به نهادها کمتر می‌شود.

#### ۸. عملکرد غیربهبوده نهادهای محلی و حکمرانی شهری

• مطالعات موردی نشان می‌دهند اعتماد به نهادهای شهری (شهرداری، شورای شهر) در سال‌های اخیر کاهش یافته است که ناشی از ضعف کیفیت حکمرانی، کمبود شفافیت و تعامل ناکافی با شهروندان است.

#### ۹. تحولات فرهنگی-نسلی و رسانه‌ها

• نسل جدید که با شبکه‌های اجتماعی و اطلاعات جهانی در تماس است، دیدگاه‌ها و انتظارات متفاوتی نسبت به نهادها و هم‌نوعان دارد؛ رسانه‌های جدید هم می‌توانند هم «افزایش اطلاعات» و هم «سرریز اخبار منفی و دوقطبی‌سازی» را تشدید کنند که اثر منفی بر اعتماد عمومی دارد.

#### ۱۰. پراکندگی و محلی‌سازی شبکه‌های تعامل (افزایش نقش شبکه‌های غیررسمی)

• در شرایط افت اعتماد عمومی، شهروندان به شبکه‌های خویشاوندی، هم‌گروهی و پاترنال‌نت‌ها برای دسترسی به منابع و فرصت‌ها متکی می‌شوند؛ این موضوع نهایتاً به رشد «روابط بسته» و کاهش نقش مقررات رسمی در تبادلات اقتصادی منجر می‌شود.

#### د) پیامدهای اجتماعی افول اعتماد (خلاصه جامع)

پیامدهای کوتاه‌مدت:

۱۱. افزایش هزینه‌های تراکنش و کاهش کارایی بازارها — کاهش اعتماد، نیاز به تضمین‌های قراردادی و استفاده از واسطه‌ها و شبکه‌های شخصی را افزایش می‌دهد (پیامد اقتصادی مستقیم).

۱۲. رشد اقتصاد غیررسمی و استفاده از روابط شخصی برای دسترسی به خدمات و شغل — مردم در مواجهه با ناکارایی و بی‌اعتمادی به نهادها به شبکه‌های غیررسمی رو می‌آورند.

۱۳. کاهش مشارکت مدنی و داوطلبانه — کاهش اعتماد عمومی با کاهش مشارکت در انجمن‌ها، تشکل‌ها و فرآیندهای مشارکتی همراه است. (ادبیات اجتماعی: Putnam).

پیامدهای میان‌مدت:

۱۴. ضعف در ارائه خدمات عمومی و نابرابری‌های تازه — دولت‌هایی که با بحران اعتماد مواجه‌اند، در جذب مشارکت مردمی برای برنامه‌های عمومی (مثلاً بهداشت، واکسیناسیون، آموزش همگانی) با دشواری روبه‌رو می‌شوند.

۱۵. افزایش گرایش به راه‌حل‌های پاترنالیستی و مشتری‌سالار ( — clientelism) کاهش اعتماد عمومی فضای مناسبی برای توسعه شبکه‌های رفاقتی و اعطای امتیازات مبتنی بر رابطه فراهم می‌آورد که خود به تداوم بی‌اعتمادی نهادی کمک می‌کند.

پیامدهای بلندمدت:

۱۶. تضعیف سرمایه اجتماعی پیوندزنده میان گروه‌ها ( — bridging social capital) وقتی اعتماد میان گروه‌های مختلف افت کند، امکان همکاری بین گروهی و رشد اجتماعی کاهش می‌یابد و این امر آینده توسعه انسانی و اقتصادی را به خطر می‌اندازد.

۱۷. اثرات روانی و کیفیت زندگی — مطالعات نشان داده‌اند سطوح بالاتر اعتماد با کیفیت زندگی و سلامت روان ارتباط مثبت دارد؛ کاهش اعتماد می‌تواند به افزایش تنهایی، اضطراب و کاهش رفاه ذهنی منجر شود.

۱۸. پیچیدگی در بازسازی سرمایه اجتماعی — بازسازی اعتماد از دست‌رفته دشوار و زمان‌بر است؛ نیازمند شفافیت نهادی، مبارزه مؤثر با فساد و سیاست‌های ارتقای مشارکت مدنی است.

#### ه) شواهد تفکیکی (نسلی، جنسیتی، شهری/روستایی)

۱۹. تفکیک نسلی: برخی مطالعات نشان می‌دهند که الگوهای اعتماد میان نسل‌ها فرق می‌کند؛ جوانان ممکن است نسبت به نهادهای سنتی کمتر اعتماد نشان دهند اما در شبکه‌های مجازی و گروه‌های برخط پذیرش همکاری‌های جدید را داشته باشند. (تحلیل WVS و مطالعات محلی).

۲۰. تفکیک شهری/روستایی: در مناطق شهری بزرگ به علت ناشناس بودن روابط و رقابت اقتصادی، اعتماد عمومی پایین‌تر و اتکاء به شبکه‌های خویشاوندی یا صنفی بیشتر گزارش شده است؛ در روستاها پیوندهای نزدیک‌تر گاهی باعث اعتماد بالا به درون گروه و بی‌اعتمادی به بیرون گروه می‌شود.

#### و) شواهد تجربی و مطالعات موردی ایرانی (نمونه‌ها)

• مرورهای مرجع و فراتحلیل‌ها در ایران کاهش کلی در مولفه‌های اعتماد را تأیید می‌کنند و نشان می‌دهند پژوهش‌های داخلی از ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ بیش از دویست مقاله در حوزهٔ اعتماد منتشر شده که تحلیل فراترکیبی نشانگر روندهای نزولی در سطوح خاص است.

• مطالعه‌ای تطبیقی ایران-ترکیه با داده‌های WVS نشان می‌دهد ایرانیان اعتماد بیشتری به گروه‌های نزدیک و برخی نهادهای نظامی دارند اما اعتماد به نهادهای بین‌المللی و غیربومی کمتر است؛ این الگو پیامدهای خاص خود در تعاملات اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای دارد.

نتیجه‌گیری (خلاصه و پیامدهای سیاست‌گذاری)

۱. خلاصهٔ وضعیت: شواهد ترکیبی (پیمایشی، مروری و تحقیقاتی) نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی در ایران در سطح عام—به‌ویژه اعتماد عمومی و اعتماد نهادی—در طول سالیان اخیر تحت فشار قرار گرفته و در برخی نماها کاهش یافته است، در حالی که اعتماد به گروه‌های نزدیک‌تر (خانواده، دوستان) همچنان نسبی باقی مانده است.

۲. بازسازی اعتماد نیازمند چند محور است:

• ارتقای شفافیت و پاسخگویی نهادهای دولتی (کاهش ادراک فساد).

• سیاست‌های اقتصادی تثبیت‌ساز برای کاهش نااطمینانی معیشتی (که یکی از عوامل مهم افول اعتماد است).

• تقویت نهادهای واسط مدنی و تشویق مشارکت مدنی (افزایش bridging social capital).

• سیاست‌گذاری آگاهانه در حوزهٔ رسانه و سواد رسانه‌ای برای کاهش دوقطبی‌سازی و اطلاعات نادرست که به کاهش اعتماد دامن می‌زنند.

۳. اهمیت تحقیق بیشتر: برای طراحی سیاست‌های مؤثر، نیاز است داده‌های پیمایشی منظم‌تر، تحلیل‌های منطقه‌ای و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای (اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی) توسعه یابد تا نقش علی هر عامل (مثلاً فساد، بیکاری، رسانه) در کاهش اعتماد روشن‌تر شود.

### پیشنهادات سیاست‌محور

• ایجاد سازوکارهای شفافیت و پاسخگویی در نهادهای محلی و ملی (گزارش‌های عملکرد، سامانه‌های پیگیری شکایات).

• برنامه‌های آموزشی و فرهنگ‌سازی دربارهٔ همکاری‌های مدنی و فواید اعتماد متقابل (در مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها).

• تقویت نهادهای واسط اجتماعی (سمن‌ها، تشکل‌ها، انجمن‌های محلی) و حمایت قانونی/مالی از آنها برای احیای سرمایه اجتماعی پیوندزنده.

• مبارزه هدفمند و شفاف با فساد اداری و اقتصادی؛ همراه با انتشار شاخص‌ها و پیگیری عمومی نتایج.

## منابع

• فراتحلیل اعتماد اجتماعی ایرانیان (دانشگاه تهران). (۱۴۰۳). مطالعه اعتماد اجتماعی ایرانیان به مثابه سرمایه اجتماعی: فراتحلیل پژوهش‌ها. تهران: دانشگاه تهران.

• مروری بر ۲۰ سال پژوهش درباره اعتماد اجتماعی در ایران. (۱۴۰۲). فراترکیب پژوهش اعتماد اجتماعی در ایران: ارائه چارچوب و الگوی جامع. پایگاه احسانی (ENSANI).

• تحلیل سرمایه اجتماعی در ایران: بررسی پیمایش‌های ملی (۱۳۹۴-۱۴۰۰). (۱۴۰۱). Quarterly Journal of Social Studies (QJSS).

• آرامی، ا.، حسین‌زاده، ع.ج.، کردزنگنه، م. (۱۴۰۰). تبیین رابطه ادراک فساد اداری و سطح اعتماد نهادی و اجتماعی (مورد مطالعه: اهواز). توسعه اجتماعی.

• مقاله «فراز و فرود اعتماد در ایران طی نیم‌قرن اخیر: نگاهی به روندها». (۱۴۰۴). نورمقاله در SID.

• Putnam, R. D. (۲۰۰۰). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community. New York: Simon & Schuster.

• Fukuyama, F. (۱۹۹۵). Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity. New York: Free Press.

• World Values Survey Association. (Wave ۷, ۲۰۱۷-۲۰۲۲). World Values Survey — Integrated Values Surveys data and documentation.

• Saleh, A., et al. (۲۰۲۴). A Comparative Study of Interpersonal, Institutional, and Social Trust (Iran & Türkiye). Journal / Dergipark (WVS مقاله تطبیقی بر پایه داده‌های).

• Edelman Trust Barometer. (۲۰۲۰- ۲۰۲۱ reports). Global trust trends and implications (Edelman).

---

Abdollahi et al. (۲۰۲۴). Predicting perceived quality of life through social trust... (PMC). [مطالعات پیوند اعتماد و کیفیت زندگی]

چکیده انگلیسی

Abstract:

Social trust, as one of the most important components of social capital, plays a fundamental role in shaping social cohesion, civic participation, and sustainable development. The decline of social trust can lead to the emergence of multiple social harms, including the spread of excessive individualism, the rise of deviant behaviors, reduced political participation, and weakened national solidarity. This study aims to examine the status of social trust in contemporary Iran and analyze the social consequences of its decline. Using a mixed-method approach, quantitative data were collected through surveys in several provinces, and qualitative data were obtained from semi-structured interviews with experts, youth, and social activists. Findings indicate that economic inequality, administrative corruption, institutional opacity, social discrimination, and ineffective public policies have had the most significant impact on declining social trust. The consequences include reduced civic participation, weakened social capital, heightened anxiety and hopelessness among the younger generation, and increased tendency toward risky behaviors. Policy recommendations are presented to enhance institutional transparency, promote social justice, support civic participation, and implement structural reforms.